



# ظرفیت‌ها و موانع تجاری ایران و عراق؛ چشم‌انداز روابط پس از جنگ تحمیلی سوم



معاونت مطالعات اقتصادی و آینده‌پژوهی  
اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران





معاونت مطالعات اقتصادی و آینده پژوهی  
اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران

---

## ظرفیت‌ها و موانع تجاری ایران و عراق؛ چشم‌انداز روابط پس از جنگ تحمیلی سوم

نویسنده: فاطمه علیزاده آغ‌اسمعیلی

---

از طریق پست الکترونیکی زیر می‌توانید پیشنهادهای و نظرات اصلاحی خود را به واحد  
مربوطه منعکس نمایید:

[economic\\_research@tccim.ir](mailto:economic_research@tccim.ir)

مواضع این گزارش، الزاما مواضع اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران نیست.

استفاده از مطالب این گزارش با ذکر منبع بلامانع است.

خرداد ۱۴۰۵



## خلاصه مدیریتی

عراق در شرایط کنونی یکی از مهم‌ترین گره‌گاه‌های ژئوپلیتیکی و اقتصادی غرب آسیا محسوب می‌شود که اهمیت آن نه صرفاً به دلیل برخورداری از پنجمین ذخایر اثبات‌شده نفت خام جهان (حدود ۸ درصد ذخایر جهانی و ۱۷ درصد ذخایر خاورمیانه)، بلکه به واسطه موقعیت ترانزیتی، پیوندهای عمیق با اقتصاد منطقه‌ای و نقش آن در موازنه قدرت میان بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای برجسته شده است. این کشور با جمعیتی حدود ۴۷ میلیون نفر و تولیدکننده‌ای که پس از عربستان سعودی دومین جایگاه اوپک را دارد، اقتصادش به شدت متکی به نفت بوده و حدود ۹۰ درصد بودجه دولت از درآمدهای نفتی تأمین می‌شود، به‌گونه‌ای که صادرات نفتی آن در سال ۲۰۲۵ حدود ۳۶ میلیون بشکه در روز (از طریق تنگه هرمز) برآورد شده است. در عین حال، اقتصاد عراق با محدودیت‌های ساختاری جدی از جمله نرخ پایین مشارکت اقتصادی (حدود ۴۱.۵ درصد) و مشارکت بسیار محدود زنان (حدود ۱۱ درصد) مواجه است که نشان‌دهنده ضعف در ظرفیت جذب نیروی کار و شکنندگی ساختار توسعه انسانی است. از منظر تجارت خارجی، عراق در سال ۲۰۲۵ حدود ۹۸.۲ میلیارد دلار صادرات و ۵۱.۲ میلیارد دلار واردات داشته است. در این میان، بر اساس آخرین آمار و اطلاعات موجود، عراق با سهمی بیش از ۱۷ درصد در ۱۰ ماهه نخست ۱۴۰۴، دومین مقصد صادراتی ایران بوده است.

در سطح ژئوپلیتیکی، عراق پس از ۲۰۰۳ به یکی از مهم‌ترین صحنه‌های بازتعریف رقابت‌های منطقه‌ای تبدیل شده است؛ به‌گونه‌ای که سقوط رژیم بعث و تغییر ساختار قدرت، این کشور را از یک دولت متمرکز اقتدارگرا به یک نظام سیاسی چندلایه و شکننده تبدیل کرد که در آن بازیگران داخلی و خارجی به‌طور هم‌زمان در شکل‌دهی به سیاست داخلی نقش دارند. در دوره ۲۰۱۱ تا ۲۰۲۰، با خروج نیروهای آمریکایی و ظهور داعش، اهمیت امنیتی عراق برای ایران به‌طور قابل توجهی افزایش یافت و همکاری‌های امنیتی دو کشور تعمیق شد، در حالی که هم‌زمان رقابت ایران و عربستان در عراق وارد مرحله‌ای ساختاری گردید. در دوره پس از ۲۰۲۰ نیز عراق تلاش کرده است با اتخاذ سیاست موازنه‌گرایانه، روابط خود را میان ایران، آمریکا، کشورهای عربی و قدرت‌های آسیایی متوازن کند، امری که مستقیماً بر جایگاه اقتصادی ایران در این کشور اثرگذار بوده است.

وابستگی شدید عراق به مسیرهای صادراتی، به‌ویژه تنگه هرمز، یکی از مهم‌ترین نقاط آسیب‌پذیری این کشور محسوب می‌شود؛ به‌طوری‌که هرگونه اختلال در این گذرگاه می‌تواند مستقیماً بر تولید و صادرات نفتی عراق اثر بگذارد. تجربه جنگ اخیر نشان داده است که در شرایط بحران، تولید نفت این کشور از حدود ۴.۳ میلیون بشکه در روز به کمتر از ۱.۳ میلیون بشکه کاهش یافته که بیانگر نبود زیرساخت‌های تاب‌آوری کافی در حوزه انرژی است. در سطح کلان نیز برآورد صندوق بین‌المللی پول نشان می‌دهد که در اثر تنش‌های منطقه‌ای، رشد اقتصادی عراق با کاهش شدید مواجه شده و این کشور در میان کشورهای نفتی منطقه یکی از بیشترین افت‌های پیش‌بینی‌شده را تجربه کرده است.

با وجود این آسیب‌پذیری‌ها، عراق همچنان یکی از مهم‌ترین فرصت‌های اقتصادی برای بازیگران منطقه‌ای از جمله ایران محسوب می‌شود. وابستگی ساختاری این کشور به واردات کالا و خدمات، نیاز گسترده به بازسازی زیرساخت‌ها، ظرفیت بالای همکاری در حوزه انرژی (به‌ویژه برق و گاز) و موقعیت ترانزیتی آن، مجموعه‌ای از فرصت‌های راهبردی را ایجاد کرده است. در مقابل، مهم‌ترین چالش‌های همکاری شامل استمرار تحریم‌های مالی و بانکی علیه ایران، افزایش رقابت چین، ترکیه و کشورهای عربی در بازار عراق، شکنندگی سیاسی و امنیتی این کشور، تلاش بغداد برای تنوع‌بخشی به شرکای تجاری و عدم



توازن ساختاری در تجارت دوجانبه است؛ به گونه‌ای که صادرات ایران به عراق به مراتب سنگین‌تر از واردات آن از عراق بوده و این عدم توازن می‌تواند در بلندمدت پایداری روابط اقتصادی را تحت تأثیر قرار دهد.

در جمع‌بندی، روابط ایران و عراق را نمی‌توان صرفاً در قالب روابط تجاری یا دوجانبه تحلیل کرد، بلکه این روابط در یک بستر پیچیده ژئوپلیتیکی، امنیتی و منطقه‌ای شکل گرفته است که در آن متغیرهایی مانند روابط ایران و آمریکا، رقابت منطقه‌ای و سیاست خارجی چندجانبه عراق نقش تعیین‌کننده دارند. بر این اساس، آینده این روابط بیش از هر چیز به میزان توانایی دو کشور در مدیریت ریسک‌های ژئوپلیتیکی و تبدیل وابستگی‌های متقابل به همکاری‌های نهادمند و پایدار وابسته است.

از منظر سیاستی، چند محور کلیدی قابل پیشنهاد است: نخست، ضرورت گذار از روابط صرفاً تجاری به همکاری‌های سرمایه‌گذاری و پروژه‌محور در حوزه‌های انرژی، زیرساخت و حمل‌ونقل؛ دوم، تقویت نقش بخش خصوصی سازمان‌یافته از طریق ایجاد شبکه‌های همکاری و کنسرسیوم‌های صادراتی برای افزایش قدرت رقابت در بازار عراق؛ سوم، توسعه سازوکارهای مالی و بانکی پایدار برای کاهش اثر تحریم‌ها و تسهیل مبادلات؛ چهارم، تمرکز بر دیپلماسی اقتصادی فعال و حضور نهادمند در برنامه‌های توسعه‌ای عراق برای جلوگیری از کاهش سهم ایران در اسناد و پروژه‌های کلان این کشور؛ و پنجم، حرکت به سمت همگرایی منطقه‌ای با هدف کاهش رقابت‌های مخرب و افزایش ثبات در محیط ژئوپلیتیکی مشترک.

## Executive Summary

Iraq is currently regarded as one of the most important geopolitical and economic nodes in West Asia. Its significance stems not only from its vast hydrocarbon endowment—including the world’s fifth-largest proven crude oil reserves, accounting for approximately 8 percent of global reserves and 17 percent of Middle Eastern reserves—but also from its strategic transit position, deep integration into regional economic networks, and its role in shaping the balance of power among regional and extra-regional actors. With a population of approximately 47 million, Iraq is the second-largest oil producer within OPEC after Saudi Arabia. The Iraqi economy is heavily oil-dependent, with around 90 percent of government revenues derived from hydrocarbons. In 2025, crude oil exports are estimated at approximately 3.6 million barrels per day, largely routed through the Strait of Hormuz. At the same time, the Iraqi economy faces significant structural constraints, including a relatively low labor force participation rate of about 41.5 percent and very limited female participation of around 11 percent, reflecting weak labor absorption capacity and broader fragilities in human development. In terms of external trade, Iraq recorded approximately USD 98.2 billion in exports and USD 51.2 billion in imports in 2025. Within this context, Iraq has become a key trading partner for Iran, accounting for more than 17 percent of Iran’s non-oil exports in the first ten months of 1404 (2025–2026), making it Iran’s second-largest export destination.

From a geopolitical perspective, Iraq after 2003 has become one of the most important arenas for the reconfiguration of regional competition. The collapse of the Ba’athist regime and the transformation of the state structure turned Iraq from a centralized authoritarian system into a fragmented and fragile multi-layered political order in which both domestic and external actors simultaneously influence internal political dynamics. Between 2011 and 2020, following the withdrawal of U.S. forces and the emergence of ISIS, Iraq’s security importance for Iran increased significantly, leading to deeper bilateral security cooperation, while regional rivalry—particularly between Iran and Saudi Arabia—became structurally embedded in Iraq. In the post-2020 period, Iraq has pursued a more balanced foreign policy aimed at managing its relations with Iran, the United States, Arab states, and Asian powers simultaneously. This balancing strategy has had a direct impact on Iran’s economic position within the Iraqi market.

Iraq’s heavy dependence on export routes, particularly the Strait of Hormuz, represents one of its most critical vulnerabilities. Any disruption in this corridor can directly affect Iraqi oil production and exports. Recent crisis experience has shown that in times of instability, Iraq’s oil production can decline from around 4.3 million barrels per day to below 1.3 million barrels per day, highlighting the lack of sufficient resilience in its energy infrastructure. At the macro level, International Monetary Fund estimates indicate that regional geopolitical tensions have significantly weakened Iraq’s economic growth outlook, placing it among the most affected oil-exporting economies in terms of downward revisions.

Despite these vulnerabilities, Iraq remains one of the most important economic opportunities for regional actors, including Iran. The country’s structural dependence on imports of goods and services, extensive reconstruction and infrastructure needs, strong potential for cooperation in the

energy sector (particularly electricity and gas), and its transit position collectively create significant strategic opportunities. On the other hand, the main challenges include the persistence of U.S. financial and banking sanctions on Iran, intensifying competition from China, Turkey, and Arab states in the Iraqi market, Iraq's political and security fragility, Baghdad's efforts to diversify its trade partnerships, and structural imbalances in bilateral trade, where Iranian exports to Iraq significantly exceed imports from Iraq—an imbalance that may affect the long-term sustainability of economic relations.

In conclusion, Iran–Iraq relations cannot be understood merely through a bilateral or commercial lens. Rather, they are embedded in a complex geopolitical, security, and regional context in which variables such as Iran–U.S. relations, regional competition, and Iraq's multi-vector foreign policy play decisive roles. Accordingly, the future trajectory of these relations will depend primarily on the ability of both countries to manage geopolitical risks and transform mutual interdependence into more institutionalized and sustainable forms of cooperation.

From a policy perspective, several key directions can be identified: first, shifting from purely trade-based relations toward investment- and project-oriented cooperation in energy, infrastructure, and transportation; second, strengthening the role of an organized private sector through collaborative business networks and export consortia to enhance competitiveness in the Iraqi market; third, developing stable financial and banking mechanisms to mitigate the impact of sanctions and facilitate transactions; fourth, pursuing active economic diplomacy and institutional engagement in Iraq's development plans to safeguard and expand Iran's role in major projects; and fifth, advancing regional convergence to reduce destructive competition and enhance stability in the shared geopolitical context.

## فهرست مطالب

خلاصه مدیریتی.....	۳
۱. نمای کلی از کشور عراق؛ گذری بر جامعه و اقتصاد.....	۹
۲. تجارت عراق با جهان و ایران.....	۱۲
۱-۲. عمده شرکای تجاری عراق.....	۱۳
۲-۲. روابط تاریخی ایران و عراق.....	۱۴
۳. تأثیر سناریوهای روابط ایران و آمریکا بر روابط ایران و عراق.....	۲۰
۴. فرصت‌های همکاری ایران و عراق.....	۲۱
۵. چالش‌های همکاری ایران و عراق.....	۲۲
۶. جمع‌بندی و پیشنهادات سیاستی.....	۲۵
منابع.....	۲۷



## مقدمه

با توجه به اهمیت راهبردی عراق در سیاست خارجی و اقتصاد منطقه‌ای ایران و نقش این کشور به‌عنوان یکی از مهم‌ترین شرکای تجاری و ژئوپلیتیکی جمهوری اسلامی ایران، حفظ، تثبیت و تعمیق روابط دوجانبه با عراق از اولویت‌های اصلی سیاست‌گذاری اقتصادی و خارجی کشور به‌شمار می‌رود. در این چارچوب، برای فهم دقیق‌تر ظرفیت‌ها، محدودیت‌ها و مسیرهای آینده همکاری میان دو کشور به‌ویژه پس از تحولات اخیر منطقه، این مطالعه با رویکردی تحلیلی طراحی شده است.

در گام نخست، وضعیت کلی اقتصاد و جامعه عراق مورد بررسی قرار گرفته است تا تصویری جامع از ساختار جمعیتی، ویژگی‌های اقتصادی، شاخص‌های بازار کار و جایگاه این کشور در اقتصاد جهانی ارائه شود. همچنین در این بخش، تأثیر تحولات ژئوپلیتیکی و به‌ویژه پیامدهای تنش‌ها و درگیری‌های منطقه‌ای بر عملکرد اقتصادی عراق مورد توجه قرار گرفته است.

در گام دوم، ساختار تجارت خارجی عراق با جهان و جایگاه ایران در این مناسبات بررسی شده و الگوی شرکای تجاری، روندهای صادرات و واردات و میزان وابستگی متقابل اقتصادی تحلیل شده است. در ادامه، روابط تاریخی ایران و عراق به‌عنوان بستر شکل‌گیری تعاملات کنونی مورد واکاوی قرار گرفته است.

در گام سوم، سناریوهای مختلف در خصوص روابط ایران و ایالات متحده و تأثیر آن بر روابط ایران و عراق تبیین شده تا نقش متغیرهای برون‌زا در تعیین مسیر آینده همکاری‌های دو کشور روشن شود.

در گام چهارم، فرصت‌های اصلی همکاری میان ایران و عراق در حوزه‌های انرژی، تجارت، زیرساخت، ترانزیت و سرمایه‌گذاری مورد شناسایی قرار گرفته است. در مقابل، در گام پنجم، مهم‌ترین چالش‌ها و محدودیت‌های پیش‌روی توسعه روابط دوجانبه شامل عوامل سیاسی، امنیتی، اقتصادی و نهادی مورد بررسی قرار گرفته است.

در نهایت، در گام ششم، جمع‌بندی تحلیلی پژوهش ارائه شده و مجموعه‌ای از پیشنهادات سیاستی با هدف ارتقای کیفیت و پایداری روابط اقتصادی و راهبردی ایران و عراق مطرح شده است.



## ۱. نمای کلی از کشور عراق؛ گذری بر جامعه و اقتصاد

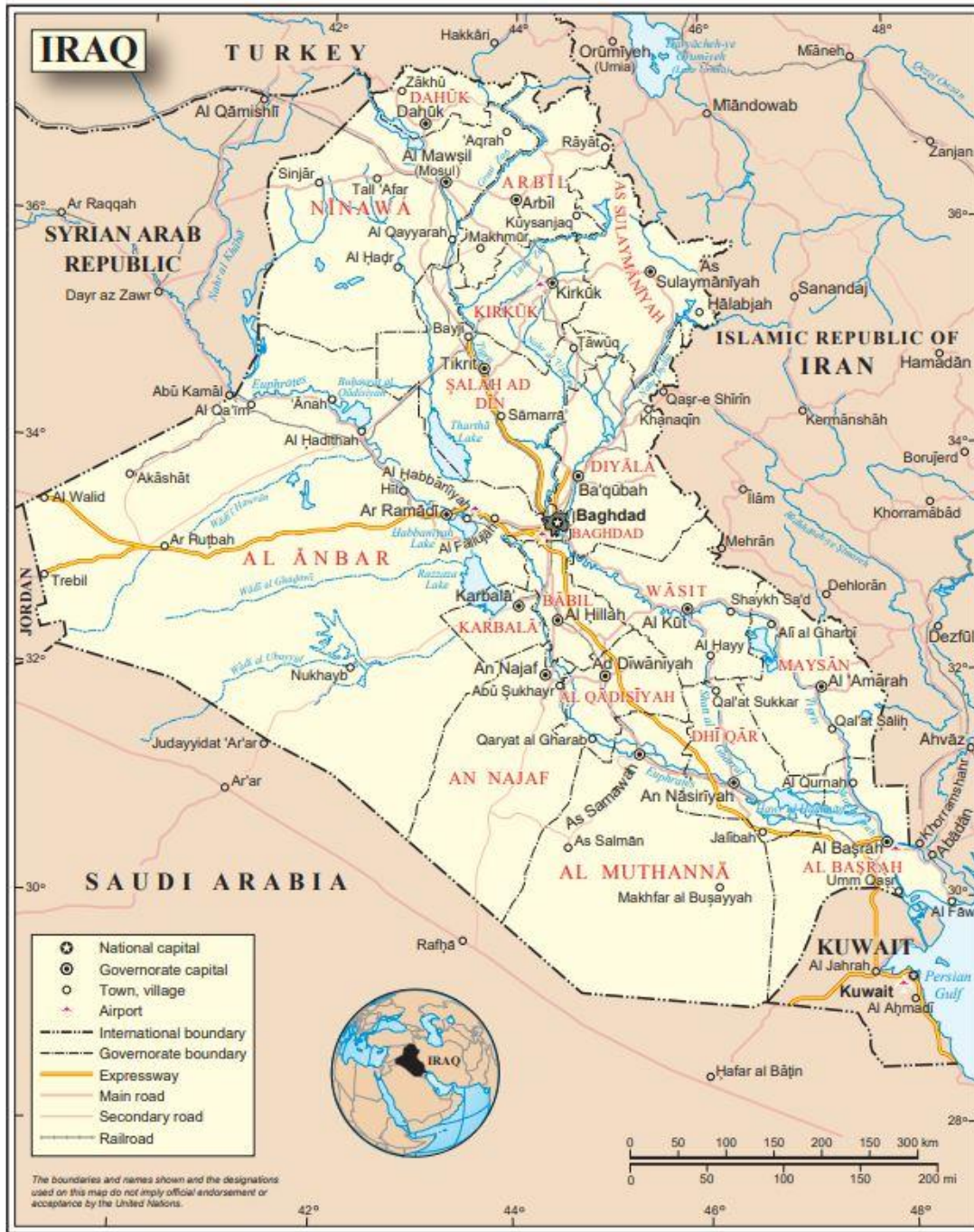
کشور عراق، به عنوان یکی از مهم ترین فرصت های اقتصادی در جهان مطرح است. این سرزمین ۴۷ میلیون نفری با وسعت ۴۳۵ هزار کیلومتر مربع (سازمان ملل متحد، ۲۰۲۵)، پس از عربستان سعودی، دومین تولیدکننده بزرگ نفت خام در اوپک است. این کشور دارای پنجمین ذخایر اثبات شده نفت خام در جهان است که ۱۷ درصد از ذخایر اثبات شده خاورمیانه و ۸ درصد از ذخایر جهانی را تشکیل می دهد (آژانس اطلاعات انرژی ایالات متحده آمریکا<sup>۱</sup>، ۲۰۲۳). کشور عراق دارای ۱۸ استان است که بر اساس قانون اساسی جدید، به صورت فدرالی اداره می شوند. با این حال، ساختار فدرالی کشور عمدتاً محدود به اقلیم کردستان است و سایر استان ها تحت اداره دولت مرکزی قرار دارند. هر استان دارای شورای استانی منتخب است که وظیفه آن نظارت بر امور محلی است. این شوراها استاندار استان را انتخاب می کنند، اما اختیارات استاندار محدود بوده و تحت نظارت دولت مرکزی عراق قرار دارد.

از نظر مذهبی، اکثریت جمعیت عراق مسلمان هستند و حدود ۹۵ تا ۹۹ درصد جمعیت این کشور را مسلمانان تشکیل می دهند. در میان مسلمانان، اکثریت را شیعیان و اقلیتی قابل توجه را اهل سنت تشکیل می دهند، اما به دلیل نبود سرشماری دقیق مذهبی، نسبت ها در منابع مختلف کمی متفاوت گزارش می شود. برآوردهای معتبر، سهم شیعیان را حدود ۵۵ تا ۶۵ درصد و اهل سنت را حدود ۳۰ تا ۴۰ درصد جمعیت کشور تخمین می زنند. همچنین اقلیت های دینی مانند مسیحیان نیز در عراق حضور دارند، اما جمعیت آنان در دهه های اخیر به دلیل مهاجرت و تحولات سیاسی به کمتر از یک درصد کل جمعیت کاهش یافته است. شیعیان به طور عمده در مرکز و جنوب مرکزی عراق استقرار دارند و سنی مذهب ها در شمال و غرب زندگی می کنند.

پایتخت عراق بغداد است. این کشور دارای ۳۶۵۰ کیلومتر مرز مشترک با همسایگان خود می باشد از جمله ایران به عنوان بیشترین مرز با ۱۴۵۸ کیلومتر در شرق، ترکیه با ۳۵۲ کیلومتر در شمال، سوریه با ۶۰۵ کیلومتر در غرب، اردن با ۱۸۱ کیلومتر در جنوب غربی، عربستان با ۸۱۴ کیلومتر در جنوب، کویت با ۲۴۰ کیلومتر در جنوب شرقی و با خلیج فارس ۵۸ کیلومتر خط ساحلی در جنوب شرقی این کشور قرار دارند.

موقعیت راهبردی جغرافیایی، دسترسی به آب های آزاد و همچنین نیاز گسترده به بازسازی زیرساخت ها پس از سال ها جنگ داخلی و خارجی، عراق را به بازاری پویا و مستعد سرمایه گذاری تبدیل کرده است. افزون بر این، نیاز روزافزون این کشور به طیف گسترده ای از کالاها، تجهیزات، خدمات فنی و مهندسی و محصولات تولیدی، اهمیت اقتصادی و ظرفیت های تجاری آن را بیش از پیش افزایش داده است.

<sup>1</sup> U.S. Energy Information Administration



عکس ۱. موقعیت جغرافیایی کشور عراق

منبع: UN



بر اساس داده‌های بانک جهانی<sup>۲</sup>، در سال ۲۰۲۵ نرخ مشارکت نیروی کار (جمعیت ۱۵ سال و بالاتر) در عراق حدود ۴۱.۵۳ درصد برآورد شده است؛ این رقم نشان‌دهنده سطح نسبتاً محدود مشارکت جمعیت در بازار کار و میزان اشتغال‌پذیری در این کشور است. همچنین در همین سال، نرخ مشارکت اقتصادی زنان در عراق ۱۱ درصد گزارش شده است (بانک جهانی<sup>۳</sup>، ۲۰۲۵). در سال ۲۰۲۵ و براساس اطلاعات سازمان ملل متحد درصد شاغلین در عراق به این شکل است که بخش کشاورزی ۱۴.۳ درصد، بخش صنعت ۳۵ درصد و خدمات برابر ۵۰.۷ درصد بوده است این ترکیب نشان‌دهنده غلبه بخش خدمات بر ساختار اشتغال عراق و نقش محوری آن در اقتصاد کشور است. در عین حال، سهم قابل توجه بخش صنعت که عمدتاً متکی بر صنایع نفت و گاز است، بیانگر وابستگی اقتصاد عراق به منابع هیدروکربنی و فعالیت‌های مرتبط با آن است.

به گزارش صندوق بین‌المللی پول (۲۰۲۶)، جنگ و درگیری‌های منطقه‌ای، اقتصاد کشورهای خاورمیانه و آسیای مرکزی را به‌طور مستقیم تحت تأثیر قرار داده و پیش‌بینی می‌شود در نتیجه این شرایط، نرخ رشد اقتصادی منطقه از ۳.۶ درصد در سال ۲۰۲۵ به ۱.۹ درصد در سال ۲۰۲۶ کاهش یابد. با این حال، انتظار می‌رود با فروکش کردن بحران و ازسرگیری تدریجی فعالیت‌های اقتصادی، نرخ رشد در سال ۲۰۲۷ به ۴.۶ درصد افزایش یابد. بر اساس گزارش مزبور، برای کشورهای صادرکننده کالاهای اساسی که به‌طور مستقیم تحت تأثیر این درگیری قرار گرفته‌اند، کاهش تولید و صادرات موجب بازنگری قابل توجه نزولی در پیش‌بینی رشد تولید ناخالص داخلی سال ۲۰۲۶ شده است. شدت این کاهش به میزان خسارت وارد شده به زیرساخت‌های انرژی و حمل‌ونقل، همچنین میزان وابستگی این کشورها به تنگه هرمز و در دسترس بودن مسیرهای جایگزین صادراتی بستگی دارد. بر این اساس، پیش‌بینی می‌شود کاهش رشد اقتصادی در سال ۲۰۲۶ برای بحرین، ایران، عراق، کویت و قطر شدیدتر باشد، در حالی که این کاهش برای عمان، عربستان سعودی و امارات متحده عربی محدودتر خواهد بود.

بر اساس اعلام صندوق بین‌المللی پول (۲۰۲۵)، عراق حدود ۹۰ درصد از بودجه خود را به درآمدهای نفتی وابسته است<sup>۴</sup> و بخش عمده نفت این کشور از طریق تنگه هرمز صادر می‌شود در سال ۲۰۲۵ حدود ۳.۶ میلیون بشکه در روز نفت خام و فرآورده‌های نفتی از کشور عراق و از طریق تنگه هرمز صادر شده است (آژانس بین‌المللی انرژی، ۲۰۲۵). با توقف تردد نفتکش‌ها در پی جنگ، ظرفیت ذخیره‌سازی داخلی به سرعت تکمیل شد و در نتیجه، مقامات ناگزیر به کاهش تولید در میداین جنوب شدند. تولید نفت از حدود ۴.۳ میلیون بشکه در روز در فوریه به کمتر از ۱.۳ میلیون بشکه سقوط کرد؛ امری که فقدان برنامه‌های اضطراری برای حفاظت از شریان مالی اصلی یک اقتصاد به‌شدت نفت‌محور را آشکار ساخت.

افزایش وابستگی اقتصاد عراق به مسیرهای صادراتی و ملاحظات امنیت انرژی، این کشور را نسبت به تحولات ژئوپلیتیکی در تنگه هرمز به‌طور فزاینده‌ای حساس کرده است. با توجه به اینکه بخش قابل توجهی از صادرات نفت عراق از این گذرگاه راهبردی انجام می‌شود، هرگونه تنش یا اختلال در آن می‌تواند پیامدهای اقتصادی و سیاسی قابل توجهی برای عراق به همراه داشته باشد. به‌طوریکه بر اساس چشم‌انداز منطقه‌ای صندوق بین‌المللی پول (آوریل ۲۰۲۶)، اقتصاد عراق در سال جاری با کاهش ۶.۸ درصدی مواجه خواهد شد؛ رقمی که نسبت به پیش‌بینی ماه اکتبر بیش از ۱۰ واحد درصد کاهش نشان می‌دهد و شدیدترین افت در میان کشورهای صادرکننده نفت به‌طور مستقیم تحت تأثیر منطقه محسوب می‌شود.

<sup>۲</sup> برای مشاهده جزئیات بیشتر [کلیک](#) کنید.

<sup>۳</sup> برای مشاهده جزئیات بیشتر [کلیک](#) کنید.

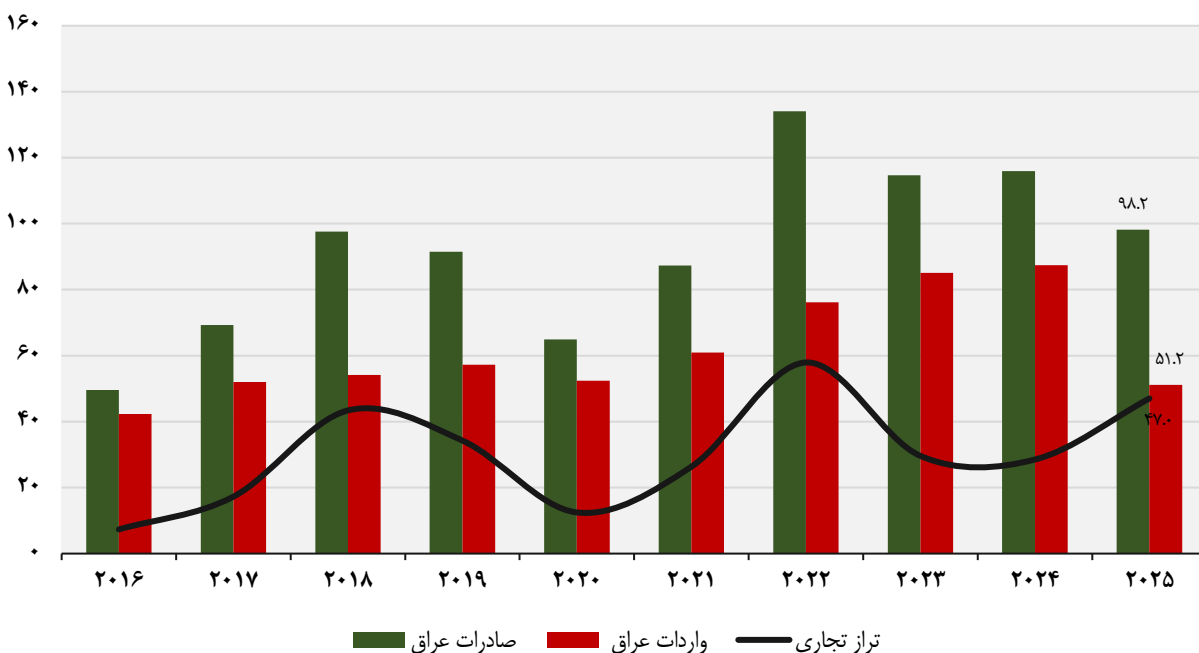
<sup>۴</sup> جهت مطالعه بیشتر [کلیک](#) نمایید.



در چنین شرایطی، عراق برای کاهش آسیب‌پذیری خود ناگزیر به بازنگری و تقویت همکاری‌های منطقه‌ای و بین‌المللی است؛ روندی که می‌تواند بر نحوه تنظیم روابط این کشور با ایران اثرگذار باشد، به‌ویژه در حوزه‌های انرژی، امنیت و سیاست خارجی. در همین راستا، برای فهم بهتر ابعاد این تحول در سیاست خارجی، بررسی ساختار و جهت‌گیری روابط تجاری عراق با سایر کشورهای جهان اهمیت می‌یابد؛ زیرا این روابط نشان می‌دهد تعاملات اقتصادی عراق در چه سطحی و با چه الگوی تمرکزی در حال شکل‌گیری است.

## ۲. تجارت عراق با جهان و ایران

بر اساس آمار و اطلاعات مرکز تجارت جهانی، عراق در سال ۲۰۲۵ حدود ۹۸.۲ میلیارد دلار صادرات کالا (کاهش ۱۵.۳ درصدی نسبت به سال ۲۰۲۴) و حدود ۵۱.۲ میلیارد دلار واردات (کاهش ۴۱.۵ درصد نسبت به سال ۲۰۲۴) با جهان داشته است. در سال ۲۰۲۴ این ارقام به ترتیب ۱۱۵.۹ میلیارد دلار و ۸۷.۴ میلیارد دلار بوده است. عراق در سال ۲۰۲۵، سهمی حدود ۰.۴ درصد از صادرات کالایی و ۰.۲ درصد از واردات کالایی جهان را به خود اختصاص داده است. روند صادرات و واردات و تراز تجاری کالایی عراق طی بیست سال گذشته در نمودار ۱ نشان داده شده است. بررسی داده‌های مذکور نشان می‌دهد که تراز تجاری کالایی عراق در تمامی سال‌های دوره مورد بررسی مثبت بوده است؛ موضوعی که بیانگر مزاد تجاری مستمر این کشور است. در این میان، بیشترین میزان تراز تجاری به سال ۲۰۲۲ تعلق دارد. همچنین، شواهد آماری موجود تا سال ۲۰۲۵ حاکی از پویایی و عملکرد نسبتاً مطلوب بخش تجارت خارجی عراق در طول دوره مورد بررسی است، هرچند در سال‌های اخیر کاهش ارزش صادرات و واردات کالا مشاهده می‌شود.



نمودار ۱. تجارت کالایی عراق طی سال‌های ۲۰۱۶ تا ۲۰۲۵ - میلیارد دلار  
منبع: مرکز تجارت جهانی (ITC)



## ۲-۱. عمده شرکای تجاری عراق

بر اساس آمار مرکز تجارت بین‌المللی، عراق در سال ۲۰۲۵ از نظر ارزش صادرات کالایی در رتبه چهل و یکم جهان قرار داشته است. با توجه به عدم انتشار داده‌های مستقیم تجارت عراق برای سال ۲۰۲۵، اطلاعات مربوط به مقاصد صادراتی این کشور بر مبنای آمار آینه‌ای استخراج شده است. بر اساس داده‌های مندرج در جدول (۱)، چین مهم‌ترین مقصد صادراتی عراق در سال ۲۰۲۵ بوده و حدود ۳۴.۵ درصد از کل ارزش صادرات کالایی این کشور به بازار چین اختصاص یافته است. هند و کره جنوبی نیز به ترتیب با سهم‌های ۲۷.۲ و ۹.۳ درصدی، دومین و سومین مقاصد عمده صادراتی عراق محسوب می‌شوند.

در مجموع، شش مقصد اصلی صادراتی عراق (جدول ۱) حدود ۸۴ میلیارد دلار از صادرات این کشور را جذب کرده‌اند که معادل ۸۵.۵ درصد از کل ارزش صادرات کالایی عراق در سال ۲۰۲۵ است. این امر نشان‌دهنده تمرکز بالای صادرات عراق بر تعداد محدودی از بازارهای مقصد است. همچنین، آمار سال‌های ۲۰۲۴ و ۲۰۲۵ جایگاه ایران را در میان مقاصد صادراتی عراق نشان نمی‌دهد؛ با این حال، بر اساس آخرین داده‌های در دسترس، ایران در سال ۲۰۲۳ در رتبه شانزدهم مقاصد صادراتی عراق قرار داشته است.

جدول ۱. مقاصد عمده صادراتی عراق در سال ۲۰۲۵

ردیف	مقاصد صادراتی	ارزش صادرات ۲۰۲۵ (میلیارد دلار)	سهم از کل صادرات ۲۰۲۵ (درصد)
۱	چین	۳۳.۹	۳۴.۵
۲	هند	۲۶.۷	۲۷.۲
۳	کره جنوبی	۹.۱	۹.۳
۴	ایالات متحده آمریکا	۶.۵	۶.۶
۵	یونان	۴.۴	۴.۵
۶	هلند	۳.۴	۳.۴
	مجموع کشورهای فوق	۸۴	۸۴
	مجموع صادرات عراق	۹۸.۲	۱۰۰

منبع: ITC

در سال ۲۰۲۵، بیشترین واردات عراق از کشور چین و حدود ۱۷.۲ میلیارد دلار است. این میزان سهم ۳۳.۶ درصد از کل ارزش واردات عراق از جهان را شامل می‌شود. ترکیه با حدود ۱۲.۴ میلیارد دلار و هند با حدود ۳.۳ میلیارد دلار به ترتیب پس از کشور چین در جایگاه دوم و سوم بزرگترین صادرکنندگان به عراق قرار دارند. سهم ترکیه از کل واردات عراق ۲۴.۲ درصد و سهم هند ۶.۵ درصد است. واردات عراق از ۶ مبدا وارداتی حدود ۳۷.۸ میلیارد دلار بود که سهمی بالغ بر ۷۳.۹ درصد از نیاز وارداتی این کشور را تامین می‌کند. در جدول ۲، عمده مبادی وارداتی عراق و سهم از کل واردات این کشور ارائه شده است. شایان ذکر است، به همان دلیلی که پیشتر بیان شد، ایران در میان کشورهای صادرکننده کالا به عراق در سال ۲۰۲۳ جایگاه چهارم را به خود اختصاص داده و حدود ۱۴.۱ درصد از نیاز وارداتی عراق را در سال مزبور تامین کرده است. امارات، ترکیه، چین و ایران بزرگترین شرکای تجاری در حوزه واردات به عراق هستند. آمارهای مرکز تجارت جهانی نشان می‌دهد بر اساس آمارهای مرکز تجارت بین‌المللی (ITC)، عملکرد سه شریک اصلی تجاری عراق در زمینه صادرات به این کشور طی سال‌های اخیر نسبت به ایران بهتر بوده و همگی از نرخ رشد بالاتری در صادرات به بازار عراق برخوردار بوده‌اند.



## جدول ۲. مبادی عمده وارداتی عراق در سال ۲۰۲۵

ردیف	مبادی وارداتی	ارزش واردات ۲۰۲۵ (میلیارد دلار)	سهم از کل واردات ۲۰۲۵ (درصد)
۱	چین	۱۷.۲	۳۳.۶
۲	ترکیه	۱۲.۴	۲۴.۲
۳	هند	۳.۳	۶.۵
۴	ایالات متحده آمریکا	۱.۷	۳.۳
۵	عربستان سعودی	۳.۲	۳.۲
۶	آلمان	۱.۶	۳.۱
	مجموع کشورهای فوق	۳۷.۸	۷۳.۹
	مجموع صادرات عراق	۵۱.۲	۱۰۰

منبع: ITC

## ۲-۲. روابط تاریخی ایران و عراق

با این حال، جایگاه ایران در اقتصاد عراق را نمی‌توان صرفاً با شاخص‌های تجاری توضیح داد. روابط اقتصادی دو کشور همواره تحت تأثیر مجموعه‌ای از عوامل سیاسی، امنیتی و ژئوپلیتیکی قرار داشته و تحولات داخلی عراق، در کنار رقابت بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، نقش تعیین‌کننده‌ای در شکل‌دهی به مسیر همکاری‌های اقتصادی تهران و بغداد ایفا کرده‌اند. از این منظر، برای درک دقیق‌تر بنیان‌های این روابط، در ادامه مهم‌ترین تحولات سیاسی و ژئوپلیتیکی مؤثر بر مناسبات ایران و عراق از سال ۲۰۰۳ تاکنون بررسی می‌شود تا زمینه‌های شکل‌گیری و تحول این همکاری‌ها در بستر تغییرات منطقه‌ای روشن‌تر شود.

### ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۱: سقوط رژیم بعث و شکل‌گیری رقابت ساختاری ایران-عربستان در عراق

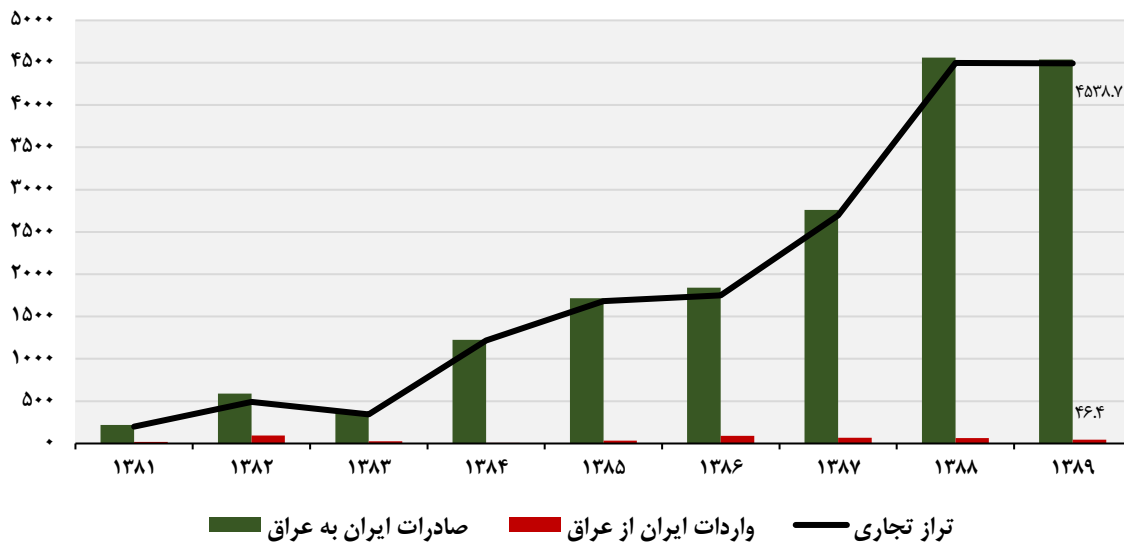
در دوره ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۱، روابط ایران و عراق تحت تأثیر مستقیم سقوط رژیم صدام حسین و اشغال عراق توسط نیروهای ائتلاف به رهبری ایالات متحده وارد مرحله‌ای کاملاً جدید شد. با فروپاشی ساختار دولت بعث، نظام سیاسی عراق دگرگون گردید و زمینه برای مشارکت سیاسی اکثریت شیعه فراهم شد؛ تحولی که به تدریج موازنه قدرت داخلی عراق را تغییر داده و امکان افزایش نفوذ سیاسی ایران را در ساختار جدید قدرت به وجود آورد. هم‌زمان، شکل‌گیری شورش‌های مسلحانه و بی‌ثباتی گسترده در سال‌های اولیه پس از ۲۰۰۳، فضای سیاسی و امنیتی عراق را شکننده کرد و روند دولت‌سازی را با چالش‌های جدی مواجه ساخت. همچنین روند انتخابات ۲۰۰۵ و تصویب قانون اساسی جدید نقطه عطفی در تثبیت نظام سیاسی جدید عراق محسوب می‌شود. پیروزی احزاب شیعه در انتخابات پارلمانی و شکل‌گیری دولت‌های بعدی، به‌ویژه دولت نوری المالکی، موجب تقویت پیوندهای سیاسی عراق و ایران شد. مالکی و بخشی از نخبگان حاکم جدید روابط نزدیکی با ایران داشتند و این امر به گسترش همکاری‌های سیاسی، امنیتی و اقتصادی میان دو کشور انجامید. در همین مقطع، سفرهای رسمی مقامات ایرانی به بغداد و افزایش مبادلات تجاری نشان‌دهنده تغییر بنیادین در روابط دوجانبه از خصوصیت در دهه‌های گذشته به همکاری عملی بود.

در سطح داخلی عراق، تشدید شکاف‌های فرقه‌ای به‌ویژه در سال ۲۰۰۶، به گسترش خشونت‌های شیعه-سنی و آغاز جنگ داخلی غیررسمی انجامید. این وضعیت، نقش بازیگران خارجی از جمله ایران را در حمایت از گروه‌های سیاسی و شبه‌نظامی



همسو با خود برجسته‌تر کرد و در مقابل، نگرانی کشورهای عربی به‌ویژه عربستان سعودی را نسبت به افزایش نفوذ منطقه‌ای ایران تشدید نمود. در نتیجه، عراق به یکی از مهم‌ترین میدان‌های رقابت ژئوپلیتیک میان ایران و عربستان تبدیل شد. در سطح بین‌المللی نیز، ایالات متحده آمریکا به‌عنوان نیروی اشغالگر اولیه، به تدریج سیاست خود را از حضور نظامی گسترده به سمت انتقال مسئولیت امنیتی به دولت عراق تغییر داد. توافق‌نامه وضعیت نیروها (SOFA)<sup>۵</sup> و خروج تدریجی نیروهای رزمی آمریکا در سال ۲۰۰۹، بخشی از این روند بود که نهایتاً با خروج کامل نیروهای آمریکایی در پایان سال ۲۰۱۱ تکمیل شد. این تحول، اگرچه به‌عنوان پایان جنگ عراق تلقی شد، اما هم‌زمان نشان‌دهنده تداوم شکنندگی ساختار امنیتی و سیاسی این کشور بود. در مجموع، دوره ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۱ را می‌توان مرحله بازتعریف روابط ایران و عراق دانست؛ دوره‌ای که در آن عراق از یک دولت متمرکز اقتدارگرا به نظامی چندپاره و شکننده تبدیل شد و ایران توانست جایگاه خود را به‌عنوان یکی از مهم‌ترین بازیگران تأثیرگذار در سیاست داخلی عراق تثبیت کند.

بر اساس نمودار ۲، مهم‌ترین ویژگی روابط اقتصادی ایران و عراق در بازه زمانی ۱۳۸۱ تا ۱۳۸۹، رشد پایدار و پرشتاب صادرات ایران به این کشور بوده است. این روند عمدتاً در بستر نیازهای گسترده عراق به بازسازی زیرساخت‌ها، افزایش تقاضا برای کالاهای مصرفی، همسویی نسبی سیاسی میان دولت‌های ایران و عراق و همچنین ضعف ظرفیت تولید داخلی عراق پس از جنگ شکل گرفت؛ مجموعه عواملی که زمینه‌ساز گسترش حضور اقتصادی ایران در بازار عراق شدند. در مقابل، دوره ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۹ با کندی نسبی در آهنگ رشد تجارت دوجانبه همراه بوده است؛ وضعیتی که می‌توان آن را حاصل هم‌زمانی تشدید تحریم‌های بین‌المللی علیه ایران، افزایش رقابت قدرت‌های منطقه‌ای و وجود محدودیت‌های ساختاری در اقتصاد ایران دانست. در این دوره، متوسط رشد سالانه صادرات ایران به عراق حدود ۴۶ درصد و متوسط رشد واردات از عراق حدود ۱۲.۵ درصد برآورد شده است.



نمودار ۲. تجارت کالایی ایران و عراق طی سال‌های ۱۳۸۱ تا ۱۳۸۹ - میلیون دلار

منبع: گمرک و محاسبات کارشناسی

<sup>5</sup> U.S.–Iraq Status of Forces Agreement (SOFA)



## ۲۰۱۱ تا ۲۰۲۰؛ خروج آمریکا، جنگ داعش و اوج رقابت منطقه‌ای ایران-عربستان

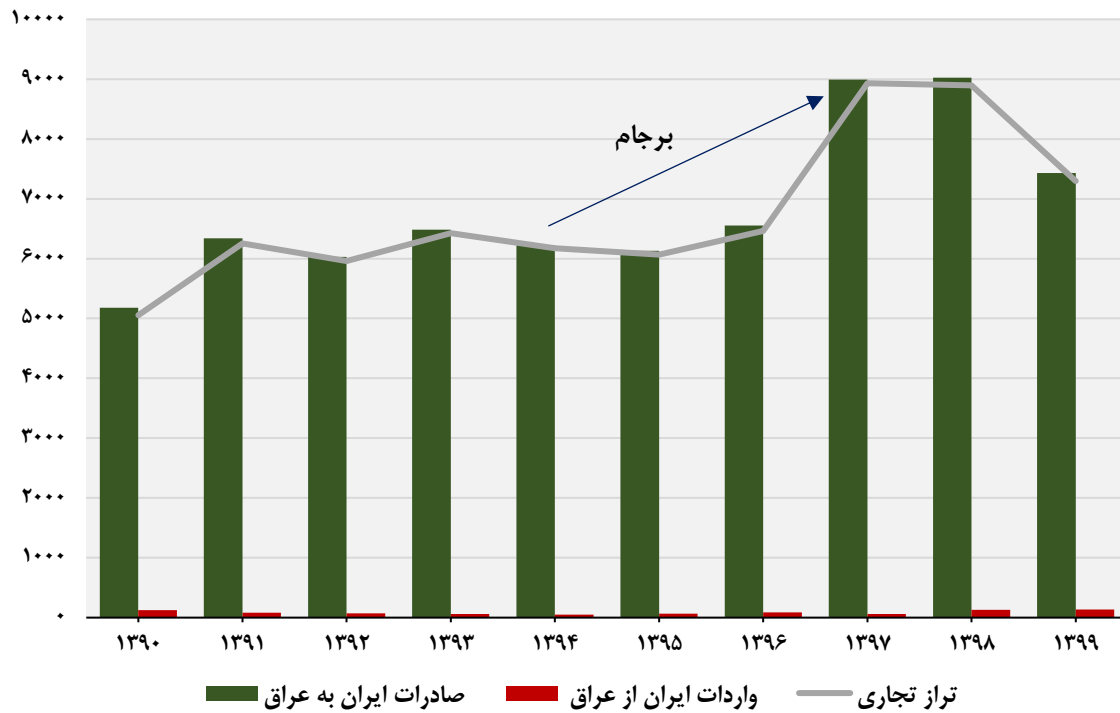
پس از خروج کامل نیروهای رزمی ایالات متحده از عراق در سال ۲۰۱۱، این کشور وارد مرحله‌ای جدید از تحولات سیاسی و امنیتی شد. کاهش حضور مستقیم آمریکا در عراق موجب شد عراق مسئولیت بیشتری در مدیریت امور داخلی و امنیتی بر عهده گیرد. در این شرایط، ایران توانست با تکیه بر روابط نزدیک با دولت عراق، احزاب شیعه و شبکه‌های سیاسی و امنیتی همسو، نفوذ خود را در ساختار قدرت عراق گسترش دهد. این روند، عراق را بیش از گذشته به یکی از حوزه‌های مهم نفوذ منطقه‌ای ایران تبدیل کرد و هم‌زمان نگرانی عربستان سعودی را نسبت به تغییر موازنه قدرت در منطقه افزایش داد.

هم‌زمان با این تحولات، آغاز خیزش‌های موسوم به بهار عربی از سال ۲۰۱۱، رقابت ژئوپلیتیکی ایران و عربستان را وارد مرحله‌ای جدید کرد. دو کشور در پرونده‌های مختلف منطقه‌ای از جمله سوریه، یمن، بحرین و عراق در مواضع متفاوت قرار گرفتند و هر یک در پی افزایش نفوذ خود در معادلات خاورمیانه بودند.

نقطه عطف اصلی این دوره، ظهور گروه داعش در سال ۲۰۱۴ بود. سقوط موصل و پیشروی سریع داعش، دولت عراق را با بحرانی بی‌سابقه مواجه کرد و موجودیت نظام سیاسی این کشور را در معرض تهدید قرار داد. در واکنش به این وضعیت، ایران نقش فعالی در حمایت از دولت عراق ایفا کرد و از طریق اعزام مستشاران نظامی، فعالیت نیروی قدس و حمایت از نیروهای بسیج مردمی در سازمان‌دهی جبهه مقابله با داعش مشارکت داشت. در نتیجه، همکاری‌های امنیتی میان ایران و عراق به شکل قابل توجهی گسترش یافت و جایگاه ایران را به‌عنوان یکی از مهم‌ترین شرکای امنیتی عراق تثبیت کرد. در مقابل، عربستان سعودی که در سال‌های نخست این دوره نقش محدودی در تحولات داخلی عراق داشت، از سال ۲۰۱۷ رویکرد جدیدی را برای بازگشت به این کشور در پیش گرفت. تشکیل شورای هماهنگی عراق و عربستان، توسعه همکاری‌های اقتصادی و سرمایه‌گذاری و بازگشایی گذرگاه مرزی عرعر از مهم‌ترین اقدامات ریاض برای گسترش نفوذ خود در عراق بود. از این مقطع، رقابت ایران و عربستان در عراق علاوه بر ابعاد امنیتی، به حوزه‌های اقتصادی و سیاسی نیز کشیده شد.

سال ۲۰۲۰ و ترور قاسم سلیمانی توسط ایالات متحده در فرودگاه بغداد، نقطه پایانی مهم بر این دوره به شمار می‌آید. این رویداد تنش میان ایران و آمریکا را به شدت افزایش داد و عراق را بار دیگر به صحنه تقابل بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای تبدیل کرد. در پی این حادثه، فشارهای سیاسی برای کاهش حضور نیروهای خارجی در عراق افزایش یافت و گروه‌های نزدیک به ایران نقش پررنگ‌تری در فضای سیاسی و امنیتی کشور پیدا کردند. در مجموع، دوره ۲۰۱۱ تا ۲۰۲۰ را می‌توان مرحله تثبیت نفوذ سیاسی و امنیتی ایران در عراق دانست؛ دوره‌ای که در آن مبارزه با داعش، خروج تدریجی آمریکا و رقابت فزاینده ایران و عربستان، روابط ایران و عراق را به سطحی راهبردی و چندبعدی ارتقا داد و عراق را به یکی از مهم‌ترین عرصه‌های رقابت ژئوپلیتیکی منطقه تبدیل کرد.

بر اساس نمودار ۳، طی دوره ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۸، آنچه روشن است، تداوم روابط تجاری میان عراق و ایران با وجود تمامی تحولات ژئوپلیتیکی است، هرچند سرعت رشد این روابط در مقایسه با دهه گذشته کاهش یافته است. به‌گونه‌ای که میانگین رشد صادرات ایران به عراق حدود ۴۰ درصد و نرخ رشد واردات ایران از عراق حدود ۰۸۳ درصد بوده است. با این حال، در این دوره بیشترین جهش تجاری در فاصله سال‌های ۱۳۹۶ تا ۱۳۹۷ رخ داده است که عمدتاً به اجرای برجام و کاهش تنش‌های میان ایران و ایالات متحده نسبت داده می‌شود. در مقابل، پس از خروج آمریکا از برجام و افزایش مجدد تنش‌ها، صادرات ایران به عراق روندی کاهشی را تجربه کرده است.



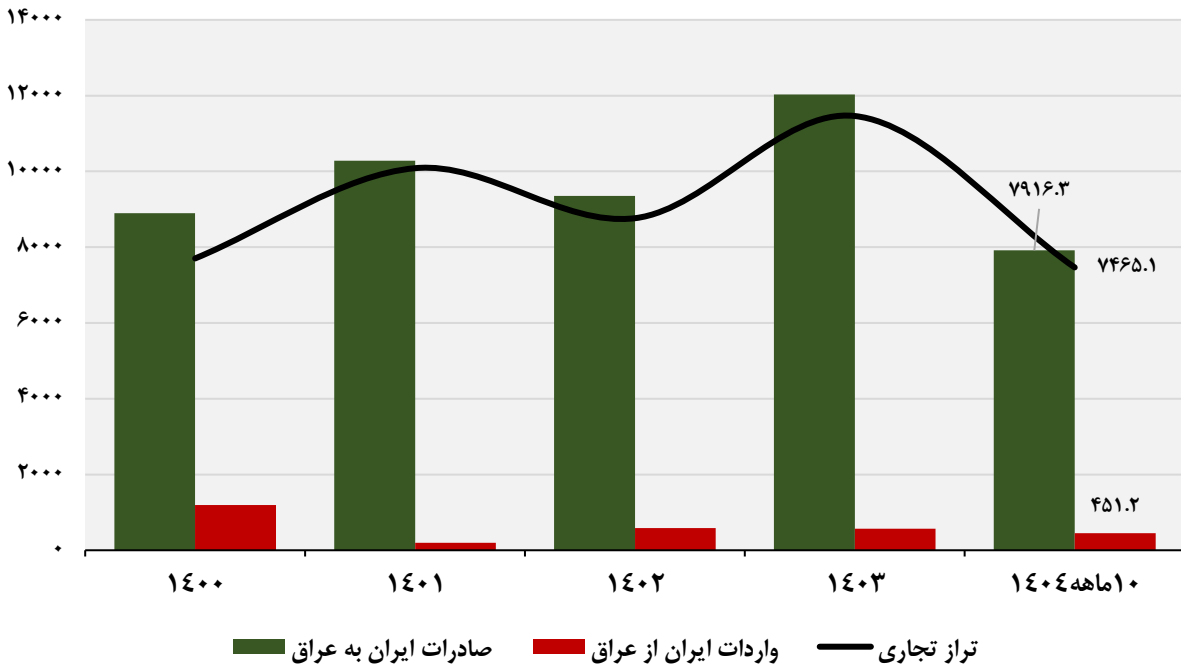
نمودار ۳. تجارت کالایی ایران و عراق طی سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۹ - میلیون دلار

منبع: گمرک و محاسبات کارشناسی

### دوره ۲۰۲۰ تا ۲۰۲۶: شکل‌گیری دیپلماسی منطقه‌ای شکننده و تشدید تنش‌های ژئوپلیتیکی

در بازه زمانی ۲۰۲۰ تا ۲۰۲۶، در کنار تداوم فشارهای سیاسی و اقتصادی ایالات متحده بر عراق و استمرار تحریم‌های اقتصادی علیه ایران، یکی از تحولات مهم منطقه‌ای تلاش برای عادی‌سازی روابط میان ایران و عربستان سعودی بوده است که نقش مهمی در بازآرایی معادلات امنیتی خاورمیانه ایفا کرده است. این روند در فضایی شکل گرفته که هم‌زمان با آن، تنش‌های ژئوپلیتیکی در سطح منطقه به‌طور چشمگیری افزایش یافته و رقابت میان قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای تشدید شده است؛ از جمله درگیری‌ها و تقابل‌های اخیر میان ایران، ایالات متحده و اسرائیل که اثرات مستقیم و غیرمستقیمی بر محیط امنیتی عراق برجای گذاشته‌اند.

در چنین شرایطی، عراق بیش از پیش به میدان موازنه قدرت میان بازیگران مختلف تبدیل شده و تلاش کرده است میان فشارهای متعارض خارجی، سیاستی مبتنی بر حفظ تعادل و مدیریت بحران اتخاذ کند. در نتیجه، این کشور هم‌زمان با افزایش فرصت‌های دیپلماتیک ناشی از کاهش نسبی برخی تنش‌های منطقه‌ای، با سطح بالاتری از پیچیدگی و شکنندگی در محیط امنیتی و سیاسی خود مواجه شده است.



نمودار ۴. تجارت كالايي ايران و عراق طی سال‌های ۱۴۰۰ تا ۱۰ ماهه ۱۴۰۴ - ميليون دلار

منبع: گمرک و محاسبات کارشناسي

بررسی داده‌های مرتبط با صادرات كالايي بر اساس آمار گمرک ايران حاکی از اين است که طی ۱۰ ماهه نخست سال ۱۴۰۴، عراق با سهم حدود ۱۷.۶ درصد از کل صادرات ايران، دومين مقصد عمده صادراتی ايران بوده است. همچنين در اين سال کشور عراق با سهمی نزدیک ۱ درصد از کل ارزش واردات، دوازدهمين کشور عمده طرف معامله واردات ايران بوده است. نمودار ۷، روند ارزش تجارت كالايي ايران با عراق طی سال‌های ۱۴۰۰ تا ۱۰ ماهه ۱۴۰۴ را نشان می‌دهد. بر اساس آمار گمرک ايران، طی ده ماهه نخست ۱۴۰۴، ارزش صادرات بدون نفت خام ايران به عراق حدود ۷.۹ ميليارد دلار و ارزش واردات ايران از کشور مزبور برابر با ۴۵۱.۲ ميليون دلار بوده است. بررسی روند تجارت دوجانبه ايران و عراق طی دوره ۱۴۰۰ تا ۱۰ ماهه نخست سال ۱۴۰۴ نشان می‌دهد که صادرات ايران به اين کشور از روندی يکنواخت برخوردار نبوده و در برخی سال‌ها افزايش و در برخی ديگر کاهش یافته است. با وجود اين نوسانات، تراز تجاري ايران و عراق در تمام سال‌های مورد بررسی مثبت بوده که نشان‌دهنده برتری ارزش صادرات ايران نسبت به واردات از عراق و تداوم مازاد تجاري به نفع ايران در روابط اقتصادي دو کشور است.

شش كالاي عمده وارداتی ايران از عراق در ۱۰ ماهه ۱۴۰۴ به تفكيك كد تعرفه، شرح تعرفه و ارزش دلاری ارائه شده است. بر اساس جدول مزبور، طلا به اشكال خام (از جمله طلای آبکاری شده با پلاتين)، برای مصارف غيرپولي با كد تعرفه ۷۱۰۸۱۲۰۰ و سهم حدود ۲۸.۱ درصد از ارزش کل واردات ايران از عراق، روغن دانه آفتابگردان، روغن گلرنگ يا زعفران كاذب (كارتام Carthame)، خام با كد تعرفه ۱۵۱۲۱۱۰۰ و سهم حدود ۱۴.۸ درصد و آلياژهای آلومينيوم، کار نشده با كد تعرفه ۷۶۰۱۲۰۰۰ و سهم حدود ۷.۹ درصد از ارزش کل واردات ايران از عراق عمده كالاهای وارداتی بوده است. شش كالای ذکر



شده در جدول ، نزدیک ۶۴٫۶ درصد از ارزش کل واردات ایران از عراق را تشکیل می‌دهد که بیانگر تمرکز نسبی واردات ایران از عراق بر تعداد محدودی از اقلام کالایی و وابستگی بخش قابل توجهی از ارزش واردات به این کالاها است.

### جدول ۳. عمده کالاهای وارداتی ایران از عراق در ۱۰ ماهه ۱۴۰۴

سهم از کل واردات (درصد)	ارزش (میلیارد دلار)	شرح تعرفه	کد تعرفه
۲۸.۱	۱۲۶.۷	طلا به اشکال خام (از جمله طلای آبکاری شده با پلاتین)، برای مصارف غیرپولی	۷۱۰۸۱۲۰۰
۱۴.۸	۶۶.۸	روغن دانه آفتابگردان، روغن گلرنگ یا زعفران کاذب (کارتام Carthame)، خام	۱۵۱۲۱۱۰۰
۷.۹	۳۵.۵	آلیاژهای آلومینیوم، کارنشده.	۷۶۰۱۲۰۰۰
۵.۹	۲۶.۵	سایر وسایل نقلیه، تنها با موتور برقی برای نیروی محرکه	۸۷۰۳۸۰۰۰
۴.۵	۲۰.۲	سایر فرآورده های غیر مذکور دارای ۷۰٪ وزنی یا بیشتر نفت یا روغن های معدنی قیری	۲۷۱۰۱۹۹۰
۳.۵	۱۵.۶	ماشین آلات سوراخ کردن زمین یا کندن چاه (غیرخودرو)	۸۴۳۰۴۹۰۰

منبع: گمرک و محاسبات کارشناسی

در جدول ۴، شش کالای ایرانی با بیشترین ارزش صادراتی به عراق ارائه شده است. بخش عمده‌ای از صادرات غیر نفتی ایران به عراق را گاز طبیعی با کد تعرفه ۲۷۱۱۲۱۹۰ و سهم حدود ۲۲.۷ درصد از ارزش کل صادرات تشکیل می‌دهد. پس از این محصول شمش از آهن و فولاد غیر ممزوج با کد تعرفه ۷۲۰۶۱۰۰۰ و سهم حدود ۳.۴ درصد از ارزش کل صادرات به عراق و میله‌های آهنی یا فولادی با کد تعرفه ۷۲۱۴۲۰۰۰ و سهم حدود ۲.۸ درصد از ارزش کل صادرات ایران به عراق عمده کالاهای صادراتی به عراق بوده است. شش کالای ذکر شده در جدول ، بیش از ۳۴ درصد از ارزش صادرات ایران به عراق را تشکیل می‌دهد که این موضوع، در مقایسه با ساختار واردات، نشان‌دهنده تنوع بیشتر سبد صادراتی ایران به عراق و وابستگی کمتر ارزش صادرات به تعداد محدودی از کالاها است.



## جدول ۴. عمده کالاهای صادراتی ایران به عراق در ۱۰ ماهه ۱۴۰۴

سهم از کل صادرات (درصد)	ارزش (میلیون دلار)	شرح تعرفه	کد تعرفه
۲۲.۷	۱۸۰۰	گاز طبیعی به حالت گازی در ظروف یک هزار سانتی متر مکعب و بیشتر	۲۷۱۱۲۱۹۰
۳.۴	۲۶۷	شمش از آهن و فولاد غیر ممزوج	۷۲۰۶۱۰۰۰
۲.۸	۲۱۹	میله های آهنی یا فولادی، گرم نورد شده دارای دندانه	۷۲۱۴۲۰۰۰
۲.۵	۱۹۶	کاشی با ضریب جذب آب وزنی بیش از ۰/۵ درصد و حداکثر ۱۰ درصد	۶۹۰۷۲۲۰۰
۱.۶	۱۲۹	لوازم خانه داری از مواد پلاستیکی	۳۹۲۴۹۰۰۰
۱.۵	۱۲۰	سیوس برنج در بسته بندی حداکثر یک کیلوگرم	۲۳۰۲۴۰۹۰

منبع: گمرک و محاسبات کارشناسی

بررسی تحولات روابط ایران و عراق از سال ۲۰۰۳ تا ۲۰۲۶ نشان می‌دهد که مناسبات دو کشور صرفاً تابع ملاحظات اقتصادی نبوده، بلکه همواره در بستری از متغیرهای سیاسی، امنیتی و ژئوپلیتیکی شکل گرفته است. با این حال، آینده روابط ایران و عراق بیش از گذشته تحت تأثیر تحولات ژئوپلیتیکی منطقه قرار خواهد داشت. افزایش رقابت بازیگران خارجی در بازار عراق، تلاش بغداد برای تنوع‌بخشی به شرکای اقتصادی، وابستگی بالای اقتصاد عراق به درآمدهای نفتی، تداوم تحریم‌های آمریکا علیه ایران و تلاش عراق برای کاهش آسیب‌پذیری در برابر بحران‌های منطقه‌ای، موجب شده است که روابط دو کشور وارد مرحله‌ای پیچیده‌تر و رقابتی‌تر شود.

## ۳. تأثیر سناریوهای روابط ایران و آمریکا بر روابط ایران و عراق

در شرایط کنونی، مهم‌ترین متغیر برون‌زا در تعیین مسیر آینده روابط ایران و عراق، چگونگی تحول مناسبات ایران و ایالات متحده آمریکا است. بر این اساس، چشم‌انداز همکاری‌های دو کشور را می‌توان در قالب دو سناریوی کلی شامل کاهش تنش و حرکت به سمت توافق و تشدید تنش و احتمال درگیری میان ایران و آمریکا تحلیل کرد.

### سناریوی اول: کاهش تنش و حرکت به سمت توافق ایران و آمریکا

در صورت کاهش سطح تنش میان تهران و واشنگتن یا دستیابی به توافقی مشابه برجام، انتظار می‌رود روابط اقتصادی ایران و عراق وارد مرحله‌ای باثبات‌تر و قابل پیش‌بینی‌تر شود. در این چارچوب:

- محدودیت‌های بانکی و مالی مرتبط با مبادلات تجاری دو کشور کاهش خواهد یافت.



- صادرات انرژی ایران به عراق با ریسک‌های سیاسی و حقوقی کمتری مواجه می‌شود.
  - بستر اجرای پروژه‌های مشترک در حوزه‌های برق، گاز، حمل‌ونقل و زیرساخت تقویت خواهد شد.
  - سرمایه‌گذاری شرکت‌های ایرانی در بازار عراق تسهیل می‌شود.
  - هزینه‌های مبادله، نقل‌وانتقال مالی و ریسک‌های تجاری کاهش می‌یابد.
  - در نتیجه، دولت عراق نیز فشار کمتری برای فاصله‌گیری از همکاری‌های اقتصادی با ایران احساس خواهد کرد.
- در چنین شرایطی، اگرچه عراق همچنان سیاست تنوع‌بخشی به شرکای خارجی خود را دنبال خواهد کرد، اما ایران قادر خواهد بود جایگاه اقتصادی خود را تثبیت کرده و حتی سهم بیشتری در پروژه‌های بازسازی و توسعه عراق به دست آورد.

### سناریوی دوم: تشدید تنش یا درگیری میان ایران و آمریکا

- در مقابل، تشدید تنش یا بروز درگیری مستقیم میان ایران و ایالات متحده می‌تواند به‌عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل محدودکننده روابط ایران و عراق عمل کند. در این سناریو:
- فشارهای سیاسی و اقتصادی آمریکا بر دولت عراق برای محدودسازی همکاری با ایران افزایش می‌یابد.
  - مبادلات بانکی و مالی دو کشور با موانع و پیچیدگی‌های بیشتری مواجه خواهد شد.
  - ریسک تجارت و سرمایه‌گذاری در عراق به‌طور محسوسی افزایش می‌یابد.
  - احتمال اختلال در روند صادرات انرژی ایران به بازار عراق تقویت می‌شود.
  - بغداد برای کاهش وابستگی اقتصادی و انرژی به ایران، به‌سوی گسترش همکاری با کشورهای عربی، ترکیه و سایر شرکای بین‌المللی حرکت خواهد کرد.
  - همچنین، مسیرهای جایگزین صادرات نفت عراق، از جمله خط لوله عراق-ترکیه، اهمیت بیشتری پیدا خواهند کرد.
- با این حال، تجربه دو دهه گذشته نشان می‌دهد که حتی در دوره‌های اوج تنش میان ایران و آمریکا، روابط اقتصادی ایران و عراق به‌طور کامل متوقف نشده و به دلیل پیوندهای جغرافیایی، مرزی، انرژی و اجتماعی، سطحی از همکاری میان دو کشور تداوم یافته است. با وجود این، در سناریوی تشدید تنش، رشد و تعمیق روابط اقتصادی احتمالاً با کندی مواجه شده و سهم ایران در بازار عراق تحت فشار بیشتری قرار خواهد گرفت.

## ۴. فرصت‌های همکاری ایران و عراق

### ۱. تداوم وابستگی بازار عراق به واردات کالا و خدمات

عراق همچنان از محدودیت‌های ساختاری در بخش تولید و صنعت داخلی رنج می‌برد و بخش مهمی از نیازهای مصرفی، ساختمانی، صنعتی و انرژی خود را از طریق واردات تأمین می‌کند. جایگاه عراق به‌عنوان دومین مقصد صادراتی ایران و سهم ۱۷.۶ درصدی آن از کل صادرات غیرنفتی ایران (۱۰ ماهه ۱۴۰۴) نشان می‌دهد که بازار عراق همچنان یکی از مهم‌ترین فرصت‌های صادراتی برای ایران محسوب می‌شود.



## ۲. ظرفیت بالای همکاری در حوزه انرژی

وابستگی عراق به واردات گاز و برق، فرصت مهمی برای تداوم همکاری‌های انرژی میان دو کشور ایجاد کرده است. صادرات گاز طبیعی همچنان بزرگ‌ترین قلم صادراتی ایران به عراق است و با توجه به رشد تقاضای برق و محدودیت‌های زیرساختی عراق، این حوزه در سال‌های آینده نیز از اهمیت راهبردی برخوردار خواهد بود.

## ۳. مشارکت در بازسازی و توسعه زیرساخت‌ها

گزارش‌های بین‌المللی نشان می‌دهد عراق برای توسعه شبکه برق، حمل‌ونقل، مسکن، آب و فاضلاب و صنایع پایین‌دستی نفت به سرمایه‌گذاری‌های گسترده نیاز دارد. نزدیکی جغرافیایی، هزینه پایین حمل‌ونقل و پیوندهای اقتصادی موجود می‌تواند فرصت مناسبی برای حضور شرکت‌های ایرانی در پروژه‌های زیرساختی عراق فراهم کند.

## ۴. توسعه همکاری‌های ترانزیتی و کریدوری

موقعیت جغرافیایی دو کشور ظرفیت مناسبی برای توسعه کریدورهای حمل‌ونقل، اتصال ریلی و افزایش تجارت منطقه‌ای ایجاد کرده است. تکمیل پروژه راه‌آهن شلمچه-بصره می‌تواند به افزایش حجم تجارت، تسهیل تردد زائران و ارتقای نقش ترانزیتی دو کشور کمک کند.

## ۵. کاهش نسبی تنش ایران و عربستان

روند عادی‌سازی روابط تهران و ریاض می‌تواند بخشی از فشارهای ژئوپلیتیکی وارد بر عراق را کاهش داده و فضای مساعدتری برای همکاری‌های اقتصادی و سرمایه‌گذاری‌های مشترک در منطقه فراهم سازد.

## ۵. چالش‌های همکاری ایران و عراق

### ۱. تداوم تحریم‌های آمریکا علیه ایران

مهم‌ترین محدودیت پیش‌روی روابط اقتصادی دو کشور همچنان تحریم‌های مالی، بانکی و انرژی علیه ایران است. این تحریم‌ها انتقال پول، اجرای پروژه‌های مشترک و توسعه سرمایه‌گذاری‌های بلندمدت را با دشواری مواجه کرده و در سال‌های گذشته نیز بر روند صادرات ایران به عراق اثرگذار بوده است.

### ۲. افزایش رقابت بازیگران منطقه‌ای در بازار عراق

داده‌های تجاری سال ۲۰۲۵ نشان می‌دهد چین و ترکیه به مهم‌ترین تأمین‌کنندگان کالا برای عراق تبدیل شده‌اند و عربستان سعودی نیز در حال افزایش حضور اقتصادی خود در این کشور است. در نتیجه، ایران برای حفظ سهم بازار خود با رقابت فزاینده‌ای از سوی بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای مواجه خواهد بود.



### ۳. شکنندگی سیاسی و امنیتی عراق

ادامه اختلافات میان بغداد و اقلیم کردستان، فعالیت گروه‌های مسلح، بحران‌های سیاسی داخلی و ضعف نهادهای حکمرانی همچنان از مهم‌ترین ریسک‌های محیط کسب و کار عراق محسوب می‌شود و می‌تواند بر تداوم همکاری‌های اقتصادی دو کشور اثر منفی بگذارد.

### ۴. تلاش عراق برای تنوع‌بخشی به شرکای اقتصادی

یکی از روندهای مهم سال‌های اخیر، سیاست بغداد برای متوازن‌سازی روابط خارجی و کاهش وابستگی به یک بازیگر خاص بوده است. گسترش همکاری‌های عراق با کشورهای عربی حوزه خلیج فارس، ترکیه، چین و کشورهای غربی می‌تواند به کاهش سهم نسبی ایران در بازار عراق منجر شود.

### ۵. افزایش اهمیت مسیرهای جایگزین انرژی و ترانزیت

تنش‌های اخیر در خلیج فارس و نگرانی‌ها درباره امنیت تنگه هرمز موجب شده عراق توجه بیشتری به توسعه مسیرهای جایگزین صادرات نفت، از جمله خط لوله عراق-ترکیه، معطوف کند. در صورت موفقیت بغداد و اربیل در فعال‌سازی پایدار این مسیرها، بخشی از اهمیت ژئوپلیتیکی مسیرهای مرتبط با ایران کاهش خواهد یافت.

### ۶. عدم توازن در ساختار تجارت دوجانبه

یکی از چالش‌های مهم در روابط اقتصادی ایران و عراق، عدم تعادل در تراز تجاری میان دو کشور است. در حال حاضر، بخش عمده مبادلات دوجانبه به صادرات ایران به عراق اختصاص دارد و واردات ایران از عراق در مقایسه با حجم صادرات، سهم محدودی را به خود اختصاص داده است. هرچند این وضعیت نشان‌دهنده مزیت رقابتی و توان تولیدی بالاتر ایران در تأمین نیازهای بازار عراق است، اما تداوم چنین الگویی می‌تواند در بلندمدت پایداری روابط اقتصادی را با محدودیت مواجه کند. در این چارچوب، شناسایی و توسعه ظرفیت‌های صادراتی عراق در بخش‌های کشاورزی، معدنی، صنعتی و مواد اولیه می‌تواند زمینه افزایش واردات هدفمند ایران از عراق را فراهم سازد. حرکت به سمت متوازن‌تر شدن جریان تجارت، علاوه بر تقویت پیوندهای اقتصادی متقابل، به شکل‌گیری یک شراکت پایدارتر و کاهش حساسیت روابط تجاری در برابر تحولات سیاسی و اقتصادی کمک خواهد کرد.

### ۷. چالش‌های زیرساختی، نهادی و اجرایی تجارت دوجانبه

علی‌رغم رشد قابل توجه روابط تجاری، توسعه همکاری‌های اقتصادی ایران و عراق همچنان با مجموعه‌ای از موانع زیرساختی و اجرایی مواجه است. بخشی از این محدودیت‌ها ناشی از تحریم‌های بین‌المللی علیه ایران و بخشی دیگر حاصل بوروکراسی اداری، تعدد نهادهای تصمیم‌گیر و ضعف هماهنگی‌های اجرایی در دو کشور است.



## ۸. عدم جایگاه ایران در سند توسعه صنعتی عراق

اگرچه بر اساس ارزیابی‌های موجود، عراق در افق میان‌مدت همچنان یکی از بزرگ‌ترین واردکنندگان منطقه غرب آسیا باقی خواهد ماند، اما تداوم حضور ایران در بازار این کشور نیازمند انطباق با تحولات ساختاری و الزامات جدید اقتصادی عراق است. در این چارچوب، یکی از چالش‌های مهم در روابط اقتصادی دو کشور این است که با وجود جایگاه عراق به‌عنوان یکی از شرکای اصلی تجاری ایران، در سند توسعه صنعتی این کشور جایگاه مشخص و هدفمندی برای ایران در میان ده شریک تجاری نخست تعریف نشده است. این موضوع نشان می‌دهد که سهم ایران در برنامه‌ریزی‌های کلان اقتصادی عراق به‌صورت نهادمند تثبیت نشده و می‌تواند در بلندمدت بر موقعیت رقابتی ایران در این بازار اثرگذار باشد.

## ۶. جمع‌بندی و پیشنهادات سیاستی

در ادبیات ژئوپلیتیک، همجواری جغرافیایی به‌عنوان یکی از تعیین‌کننده‌ترین عوامل شکل‌دهنده به الگوهای تعاملات بین‌المللی شناخته می‌شود؛ به‌گونه‌ای که دولت‌های هم‌مرز، به‌واسطه تراکم روابط فضایی، به‌طور اجتناب‌ناپذیر در معرض نوعی وابستگی متقابل امنیتی، سیاسی و اقتصادی قرار می‌گیرند. در این چارچوب، سیاست خارجی کشورها به‌ویژه در محیط‌های پیرامونی، به‌شدت از ویژگی‌های ساختاری همسایگان، سطح پیوستگی‌های تاریخی و اجتماعی و نوع تعاملات نهادی میان آن‌ها تأثیر می‌پذیرد.

بر این اساس، عراق در منظومه سیاست خارجی ایران جایگاهی ویژه و چندلایه دارد. جمعیت قابل‌توجه شیعیان، تحولات ساختاری پس از سال ۲۰۰۳، افزایش نقش‌آفرینی نیروهای سیاسی شیعه، نیازهای گسترده بازسازی و توسعه زیرساختی، حضور بازیگران فرامنطقه‌ای و همچنین تشدید رقابت قدرت‌های منطقه‌ای، همگی عواملی هستند که اهمیت عراق را به‌عنوان یک حوزه راهبردی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران برجسته می‌سازند. در چنین شرایطی، عراق جدید نه صرفاً یک محیط تهدیدآفرین، بلکه به‌مثابه یکی از مهم‌ترین کردورهای ژئوپلیتیکی برای گسترش نفوذ اقتصادی و سیاسی ایران در جهان عرب قابل تحلیل است.

با توجه به این ملاحظات، جمع‌بندی این مطالعه نشان می‌دهد که مدیریت مؤثر روابط ایران و عراق مستلزم گذار از رویکردهای واکنشی و مقطعی به سمت سیاست‌گذاری راهبردی، نهادمند و سناریومحور است. در این راستا، پیشنهادهای سیاستی زیر قابل طرح است:

### ۱. بازتعریف دیپلماسی ایران در قبال عراق مبتنی بر رویکرد تعامل‌گرا و چندسطحی

دستگاه سیاست خارجی کشور لازم است با اتخاذ رویکردی فعال و سازنده در محیط سیاسی عراق، ضمن تعامل مؤثر با بازیگران داخلی، منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، در جهت تأمین و ارتقای منافع ملی و امنیت راهبردی ایران عمل کند. این امر مستلزم درک دقیق از ساختار قدرت چندلایه در عراق و پرهیز از رویکردهای تک‌بعدی است.

### ۲. تدوین سند جامع راهبردی روابط ایران و عراق مبتنی بر سناریوپردازی

ضروری است یک سند سیاستی جامع با در نظر گرفتن سناریوهای محتمل از جمله تداوم بحران، وضعیت گذار بدون تثبیت پایدار و برقراری ثبات نسبی تدوین شود. این سند باید اهداف کلان، چالش‌ها، ابزارها و مسیرهای اجرایی را در هر سناریو به‌صورت تفکیک‌شده مشخص کرده و از ظرفیت‌های نهادی موجود، از جمله نهادهای اقتصادی و اتاق‌های مشترک بازرگانی، برای اجرای آن بهره‌برداری نماید.

### ۳. توسعه چارچوب همکاری‌های منطقه‌ای چندجانبه

به جای تمرکز صرف بر روابط دوجانبه، ایجاد یک سازوکار همکاری منطقه‌ای میان ایران، عراق و کشورهای عربی حوزه خلیج فارس می‌تواند به‌عنوان بستری برای کاهش تنش‌های ژئوپلیتیکی و توسعه همگرایی اقتصادی مورد توجه قرار گیرد. این چارچوب می‌تواند از طریق نهادهای اقتصادی و بخش خصوصی سازمان‌دهی شود.

#### ۴. تسریع در طراحی و اجرای پروژه‌های اقتصادی هدفمند در بازار عراق

با توجه به رقابت فزاینده قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در بازار عراق، تعلل در طراحی و اجرای پروژه‌های عملیاتی می‌تواند به کاهش سهم ایران در این بازار منجر شود. بنابراین، لازم است با تمرکز بر حوزه‌های مزیت‌دار، پروژه‌های مشخص و قابل اجرا در کوتاه‌مدت و میان‌مدت تعریف و عملیاتی شوند.

#### ۵. افزایش نقش بخش خصوصی سازمان یافته در عراق

توانمندسازی بخش خصوصی در بازار عراق مستلزم گذار از الگوی فعالیت‌های پراکنده و فردمحور به سمت ساختارهای نهادی، شبکه‌ای و مبتنی بر مشارکت جمعی شرکت‌ها است؛ به‌گونه‌ای که اتاق‌های بازرگانی مشترک، تشکل‌های تخصصی و کنسرسیوم‌های صادراتی بتوانند با تجمیع ظرفیت بنگاه‌های کوچک و متوسط، افزایش مقیاس فعالیت اقتصادی، کاهش هزینه‌های مبادله و ارتقای قدرت چانه‌زنی، زمینه حضور منسجم، رقابتی و پایدار ایران در بازار عراق را فراهم کنند.

## منابع

International Monetary Fund

International Trade Centre

World Bank

Carnegie Endowment for International Peace

Center for International Peace Studies

International Energy Agency (IEA)

Arab development portal

Rana, K. S. (2013). Economic diplomacy: what might best serve a developing country?. *International Journal of Diplomacy and Economy*, 1(3-4), 232-247.

Levy, Jack S., and Mike Froelich. "Causes of the Iran-Iraq War." In *The Regionalization of Warfare*, pp. 127-143. Routledge, 2023.

Azizi, H. (2022). Integration of Iran-backed armed groups into the Iraqi and Syrian armed forces: implications for stability in Iraq and Syria. *Small Wars & Insurgencies*, 33(3), 499-527.

Khani, S., Bagi, M., & Mohammadzadeh, H. (2025). Demographic Transition, Development Potentials, and Policy Requirements: A Comparative Study of the Kurdish Regions of Iran and Iraq. *The Middle East Journal*, 78(2-3), 189-211.

Knights, M. (2025). Iraqi Oil and the Iran Threat Network. *CTC Sentinel*, 18, 4.

Janparvar, M., Hamad Shikhe, S., Zarghani, S. H., & Ghorbaninejad, R. (2026). An Analysis of Geopolitical Factors Influencing the Relations between the Kurdistan Region of Iraq and the Islamic Republic of Iran. *Research Political Geography Quarterly*, 10(4).